

### آغاز سخن

اقتصاد مدرن از قرن هفدهم به بعد تغییرات بسیاری کرده است. در یک زمان که انسان بعنوان آدم اقتصادی معرفی شده بود اکنون دیدگاه بسیاری از سازمانها و متخصصین و نویسندگان تغییر کرده و نظریه بر این است که اقتصاد می بایست همراه با اصول اخلاقی باشد. البته اینگونه تغییرات هنوز بیشتر یک نظریه است تا در مرحله عمل. حضرت عبدالبهاء برآستی پیشگام یک اقتصاد اخلاقی هستند و چنین دیدگاهی در آثار متعدده ایشان به چشم میخورد و در این نوشته بطور اجمال به آن اشاره میشود. اقتصاد را میتوان دانشی دانست که توجه به کمبود منابع و ابزار تولید و نیازهای نامحدود بشری به تخصیص بهینه کالا و خدمات دارد که در باره الویتها و حداکثر رضایت و مطلوبیت افراد و خانوارهاست. اقتصاد یک موضوع جدا از زندگی انسانها نیست و با سیستم زندگی خانوارها کاملاً در هم آمیخته است. لذا، درک درست از اقتصاد اخلاقی کمک شایان به بهبود وضعیت زندگی همگان میکند.

### کاربرد عملی اقتصاد اخلاقی

کاربرد و درک "روحانیت" به عنوان "عامل وحدت بخش" و عامل ارتباطی اهمیت زیادی دارد. روحانیت به عنوان فرایند وحدت بخش، توسعه دهنده و مرتبط کننده زندگی ما با دنیای مادی، با دیگر مردمان، با محیط زیست، و با نسل های آینده تعریف میشود. این تعریف که الهام گرفته از آثار بهائی است از انگیزه های اخلاقی به عنوان منشأ عمده تحریک فعالیت های اقتصادی استفاده میکند. مقصود از "انگیزه های اخلاقی" انگیزه هایی مبتنی بر میل به خدمت به جامعه یا ایفای وظیفه نسبت به جامعه است. ترقی روحانی و کسب صفات و سجایای روحانی توسط افراد مستلزم زندگی همراه با یادگیری و عمل است و بر رفتار بشری تمرکز دارد. پس، افرادی که عملاً آنرا جمعاً مورد تأکید قرار می دهند، معمولاً مشارکت بیشتری در کل جامعه دارند. تفسیر و درک روحانیت به عنوان مفهومی ارتباطی به افراد کمک میکند در پی بردن به معنا و کاربرد اصول و مدل های اقتصادی. مثلاً فرد بهائی از طریق خدمت، با تلقی کار به عنوان عبادت، با انجام دادن فعالیت های انسان دوستانه، و تلاش مؤثر و جدی برای آنکه عضو مؤلفی در جامعه باشد، از لحاظ روحانی ارتقاء می یابد. بنابراین، روحانیت به هدفی مهم در زندگی مربوط می شود، که مستلزم بحثی درباره فرایند نحوه وصول به آن است. کارآمد و ویژگی های وحدت بخش و ارتباطی آن، به عنوان روش حصول اهداف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و زیست محیطی میسر میباشد.

در اقتصاد کلاسیک که با پدر علم اقتصاد مدرن در سال 1776 توسط آدم اسمیت (Adam Smith) آغاز شد اخلاقیات نقشی بسیار جزئی داشته است. نظریه بر این بوده که اخلاقیات مربوط به نقش خانواده است و نه در رابطه با فعالیت های اقتصادی. لذا اخلاقیات نقش محدودی در بازار و در بین شرکت کنندگان آن داشته است. از اینرو مفهوم بازار آزاد مطرح شد بدین معنی که شرکت کنندگان در بازار بطور عقلانی فکر میکنند و تصمیمات منطقی و درست میگیرند و احتیاجی به دخالت دولت نیست. و بعد در سال 1890 بود که اقتصاددان دیگری به نام آلفرد مارشال (Alfred Marshall) اقتصاد را در رابطه با انتخاب درست از منابع مطرح میکند. البته چنین نظریه ای لازمه اش یک نوع تصمیم گیری بهینه همراه با اصول اخلاقی است. سپس در سال 1930 بود که تعداد دیگری از اقتصاددانان از جمله لایونل رابینز (Lionel Robins) اقتصاد را در رابطه با عوامل مادی و غیر مادی بیان می کنند. و در یکی دو دهه اخیر است که تعدادی از نویسندگان و سیاست گزاران اشاره به نیاز به اصول اخلاقی در اقتصاد کرده اند، از جمله آمارتیا سن (Amartya Sen)، جوزف استیگلیتز (Joseph Stiglitz)، محمد یونس (Muhammed Yunus)، پال کولیر (Paul Colier)، و دیگران. با توجه به آثار حضرت عبدالبهاء دیده می شود که ایشان در سال 1912 بود که از اقتصاد اخلاقی و روحانی صحبت می کنند، مثلاً در بیانی میفرمایند، "وقتی محبت الله تثبیت گردد، همه چیز تحقق یابد؛ این اساس حقیقی کل اقتصاد است." وقتی چنین دیدگاهی منطبق با داد و ستد باشد، روابط انسانی از شرایط لازم برای مبادله برخوردار می گردد. برای آنکه رابطه ای مؤثر در میان کلیه بازیگران و عوامل در بازار بوجود آید، اخلاقیات به عنوان اصل کلیدی برای عملکرد موفقیت آمیز آن لازم است. اشکال اقتصاد ما این است که به جای آنکه هر دو مادی و روحانی باشد فقط به مادیات توجه دارد.

اقتصاد سالم و مطلوب و سازنده آنگونه اقتصادداریست که نه تنها باعث رفاه نسل حاضر میشود بلکه احترام به رفاه نسل آینده نیز گزارده میشود و محیط زیست و منابع طبیعی را نیز محافظت میکند. در اینجا است که مقصود از زندگی برای فرد بهائی در رابطه با اقتصاد پایدار و یا بادوام باید مورد بررسی قرار گیرد. وقتی از حضرت عبدالبهاء سؤال شد، بهائی یعنی چه؟ در پاسخ فرمودند "بهائی بودن یعنی جمیع عالم را دوست داشتن و با کل بشر مهربان بودن، در خدمت به نوع کوشیدن." ۲ بر مبنای این بیان، اگر مقصود از زندگی برای فرد بهائی عبارت از ارزش‌هایی از قبیل خدمت به عالم انسانی و آگاهی از نیازهای دیگران باشد، در این صورت کل چشم‌انداز تغییر می‌کند. با چنین نگرشی، همه مراقب یکدیگرند، و سعی دارند به دیگران خدمت کنند. این به تضمین حفظ و وجود منابع برای جامعه بزرگتر، اعم از حال و آینده، منجر خواهد شد.

کاربرد عملی اقتصاد اخلاقی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی نمودار است. در اینجا به چند نمونه اشاره میشود: هنگام برخورد با بحرانهای اقتصادی 2008 و تلاش در حل این بحرانها، عملکرد روحانیت تصدیق شده است. چنین بحرانهایی باعث آگاهی و شناخت ارزشهای اخلاقی و روحانی از قبیل عدالت، صداقت، امانت، همکاری متقابل، معاضدت، و مدیریت اخلاقی شده است. چندین سال بعد از بحران اقتصادی مزبور که علت آنرا سیاستهای پولی تشخیص داده بودند اکنون سیاست گزاران متوجه شدند که علت ایجاد چنین بحرانی پول نبوده بلکه عدم رعایت اصول اخلاقی در مدیریت پول بوده است. نمونه دیگر آنکه، بر اثر زیانهای وارده بر محیط زیست، متخصصین بر آنند که جهت حفظ طبیعت شناخت و عملکرد ارزشهای اخلاقی و آگاهی و قبول خصایص روحانیت بعنوان عامل وحدت بخش ضروریست. همچنین، موج خروشان پناهندگی و آوارگی میلیونها نفر باعث شناخت ارزشهای انسانی و روحانی شده که لزوماً تعدادی از کشورها و سازمانهای بین المللی رضایت به قبول آنان داده اند که همراه با استعداد امیدوار کننده و مثبت پناهندگان میباشد. شناخت و کاربرد اصول اخلاقی و روحانی در چالشهای دیگر مانند کار کودک، کاهش نابرابری و فقر، انواع تبعیضات و بسیاری دیگر اهمیت دارد. در همین مدت که با پندمیک ویروس کرونا روبرو شده ایم دیده میشود که کمکه‌های نوع دوستانه به هر کجای عالم سرازیر شده است بدون هیچ گونه محدودیت و توجهی به نوع کشور، به نوع مردم، به نوع سیاست، و به نوع جنسیت و رنگ و نژاد و مذهب. رفتار درست خریداران و فروشندگان نسبت به خودشان، نسبت به سایرین و نسبت به محیط زیست بسیار اهمیت دارد. اینجا است که اخلاقیات وارد اقتصاد میشود تا تولید کنندگان نیز از رفتار اخلاقی مصرف کنندگان آگاهی داشته باشند و آن گونه محصولاتی را تولید کنند که شایسته مقام والای انسان است. البته این مدیریت فقط مختص به استفاده از منابع تولید برای افزایش درآمد جامعه نیست بلکه شامل توزیع عادلانه و مصرف معقول نیز میشود. در ادامه این مقاله به چندین نظریه اقتصادی حضرت عبدالبهاء بطور خیلی خلاصه اشاره میشود:

### اهمیت نقش دولت

مدیریت بخش مهم و گسترده‌ای از جامعه بعهده دولتهاست که وظیفه ایجاد توازن و با ثباتی اقتصادی را به عهده دارند و از شیوه‌های مختلفی مانند مالیات و سرمایه‌گذاری و غیره برای ایجاد ثبات اقتصادی استفاده میکنند. واژه "اقتصاد" در اصل به "مدیریت خانواده" یا شخصی و یا سازمانی که در این زمینه مهارت دارند اطلاق میشود. در جامعه گسترده‌تر، خانواده را می‌توان با حکومتی مقایسه کرد که دارای مسئولیت برای مدیریت منابع ملت برای حصول منفعت جهت کل جمعیت است. به همین ترتیب، خانواده تضمین‌کننده مدیریت منزل و رفاه کلیه اعضا است. حضرت عبدالبهاء، در آثار خود، در توضیح ترتیب اقتصادی جامعه، این مفهوم را به کار می‌برند. مثلاً، می‌فرمایند، "این منزل ترتیب مطلوبی ندارد. حیات این منزل تحت قوانین کامله نیست." ۳ ایشان سپس به لزوم وضع مقررات و قوانین برای کمک به عملکرد صحیح خانواده، کل جامعه و یا یک ملت، اشاره کرده و می‌فرمایند، "باید قانونی برای این خانواده وضع شود که به واسطه آن کلیه اعضا آن عائله از رفاه و سعادت برابر برخوردار شوند." ۴ در این بیان، حضرت عبدالبهاء با استفاده از مفهوم "خانواده"، درباره نقش دولت در وضع قوانین برای تضمین رفاه ناشی از اقتصاد صحبت می‌کنند.

در نظام فعلی اقتصاد بازار آزاد، فرض مسلم بر این است که بازار خود را تنظیم می‌کند و می‌تواند به طور خودکار به تعادل و یا وضعیت باثبات برسد. اما، چنین دیدگاهی موافق با واقعیت که مشکلات متعددی در اقتصاد وجود دارد را نمی‌باشد، و گویای آن است که بازار خود را تنظیم نمی‌کند و به طور خودکار به تعادل و باثباتی نمی‌رسد. وجود فقر، بیکاری، انباشت ثروت در دست معدودی از مردمان، مشکلات مربوط به محیط زیست، و وجود انواع آثار جانبی منفی نشانه‌هایی است که بازار به تنهایی قادر نیست به وضعیت متعادل برسد، و از این رو مداخله دولت ضرورت دارد تا در رفتار افراد و شرکتهای تجاری نفوذ نماید و نقص بازار را اصلاح کند. حضرت عبدالبهاء

جدا از حمایت از مداخله دولت در اصل انواع نقائص بازار از طریق وضع مقررات و کنترل بازار، احتیاج به اصول متعدد اخلاقی را بیان می‌فرمایند که در افراد و مؤسسات تجاری میبایست وجود داشته باشند تا طریقه جدید تفکر یا سبک رفتاری متفاوت در جامعه بوجود آید.

### ترجیح دادن منفعت کل جامعه بر منفعت خویش

فرضی اساسی از الگوی اقتصادی آدام اسمیت این است که ما طبیعتاً موهوب به "میل نیرومندی برای بهبود بخشیدن به شرایط خود هستیم ... میلی که، اگرچه عموماً آرام و بدون شور و هیجان است، اما از رحم مادر با ما همراه است و تا پای گور ما را همراهی می‌کند."<sup>۵</sup> این عبارت در تأیید منافع شخصی از سوی بانی اقتصاد علمی آدام اسمیت است که در سال 1776 نوشته شده است. تعالیم بهائی پر دوگانگی ماهیت بشری تأکید دارد. حضرت عبدالبهاء، افراد بشر را دارای ماهیتی روحانی یا ماهیت برتر، و ماهیت مادی یا ماهیت پست تر میدانند، در بیانی می‌فرمایند "یک مقام انسانیت که تعلق به عالم بالا دارد و فیض ربوبیت است. یک مقام حیوانیت که تعلق به عالم ناسوت دارد."<sup>۶</sup> بنا بر این "میل به منفعت شخصی به ماهیت دون افراد بشر تعلق دارد."<sup>۷</sup> فضیلت خیرخواهی و نیکوکاری به ماهیت برتر افراد بشر تعلق دارد و منشأ کمال بشری و سعادت حقیقی است. به عبارت دیگر، سعادت حقیقی با ماهیت برتر مرتبط است، و سعادت مادی و عنصری با ماهیت پست تر بشر ارتباط دارد. حضرت عبدالبهاء به "ماهیت برتر انسان [به عنوان] جهت جامعه"<sup>۸</sup> اشاره دارند. همین عمل "وحدت بخش" روحانیت است که به حل مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و زیست محیطی در هنگام مواجهه شدن با آنها کمک می‌کند. اعتقاد به "ماهیت برتر انسان" افراد را الهام می‌بخشد که نسبت به دیگران منصفانه و عادلانه عمل کنند. این اعتقاد می‌تواند کاربردی عظیم و مؤثری در اقتصاد در زمینه‌هایی از قبیل توزیع مجدد ثروت، تولید پایدار، مصرف معقول، روابط کارگر-کارفرما و مسائل مربوط به محیط زیست داشته باشد. برای فرد بهائی، اعتقاد به "ماهیت برتر انسان" دارای رابطه متقابل نزدیکی با مقصود از حیات دارد. مقصود از حیات صرفاً ارضاء نیازهای شخصی و برخورداری از لذات مادی نیست، بلکه شامل خدمت به جامعه می‌باشد.

بنا به آثار بهائی، بهائیان تشویق می‌شوند که فرهنگ خدمت به عالم انسانی را اتخاذ نمایند. بهائیان تشویق می‌شوند که تلاش کنند از کلیه رویکردهائی که به خود پسندی و منفعت شخصی میانجامد فارغ و آزاد باشند. دیدگاه بهائی به منفعت شخصی روشنفکرانه نزدیک تر است، که استدلال می‌کند ماهیت افراد بشر نوع دوستانه است نه خودپرستانه. اشخاصی که برای پیشبرد منافع دیگران اقدام می‌کنند، نهایتاً به منافع خودشان خدمت می‌کنند. افراد باید سعی کنند به این سطح از ملاحظه دیگران برسند. حضرت عبدالبهاء پیگیری منافع شخصی را تقبیح می‌کنند، در بیانی می‌فرمایند: "امروز جمیع طوائف عالم به خودپرستی مشغول. نهایت سعی و کوشش می‌نمایند که منافع ناسوتی خویش را ترویج نمایند. خود را می‌پرستند نه ذات الهی را و نه عالم انسانی را. منفعت خویش می‌طلبند نه منفعت عمومی را و این به سبب آن است که اسیر عالم طبیعتند و از تعالیم الهی و فیض ملکوتی و انوار شمس حقیقت بی‌خبر."<sup>۹</sup> حضرت عبدالبهاء، در این بیان، کسب منافع شخصی را در مقابل "منفعت عمومی" قرار می‌دهند. در ارزیابی منفعت شخصی در مقابل منفعت عمومی، منفعت شخصی فرد در منفعت عمومی نیز قرار می‌گیرد. اگر کسی سعی کند که جامعه‌اش مرغه و با رونق باشد، رفاه و راحتی خود او نیز تضمین می‌گردد. برای کاربرد آن شروع کردن با کودکان، پرورش و تربیت فرزندان با اصول اخلاقی است که توسط خانواده‌ها عملی شود نه آن که صرفاً بیان شود. در آثار بهائی، اندیشه رفاه و سعادت از رفاه فردی به رفاه اجتماعی تغییر موضع داده است. اشارات بسیاری در تأیید این دیدگاه در آثار حضرت عبدالبهاء وجود دارد، فی‌المثل می‌فرمایند، "سعادت عمومی را بر سعادت شخصی خود ترجیح دهید."<sup>۱۰</sup> همچنین می‌فرمایند "جمیع ما باید در نهایت درجه سعادت و راحت باشیم."<sup>۱۱</sup> همچنین می‌فرمایند "ثروتمندان به طیب خاطر به مساعدت فقرا خواهند شتافت."<sup>۱۲</sup> در سطح اجتماعی تأکید بر آن است که "جمیع بشر به راحت زندگانی کنند"<sup>۱۳</sup> و در سطح فردی، "به حداقل اجناس دنیوی"<sup>۱۴</sup> قانع باشند.

### ارجحیت معاضدت بر رقابت

رقابت بی رحمانه و ستیزه‌جویانه و بدون مقررات دولتی ممکن است منجر به سلطه بیشتر سازمانها بر بازار شود که بالتبع ممکن است موجب حذف بنگاه‌های کوچک تر گشته و سبب شیوع بیکاری گردد. از این رو، اصل روحانی معاضدت برای کاربرد "عامل وحدت بخش" و عملکرد مؤثر حائز اهمیت حیاتی است. بطور مثال، کاربرد

اصل معاضدت به مؤسّسات تجاری کوچک‌تر اجازه می‌دهد که بدون ترس از رقابت شدید و ستیزه‌جویانه که آنها را جبراً از بازار بیرون کند، وارد بازار شوند. بنابراین، معاضدت راه را برای عملیات تجاری هموار می‌کند و به این وسیله سطح برون‌داد و در نتیجه اشتغال را بالا می‌برد، و تولید عایدات بیشتر برای حکومت خواهد کرد. اصل معاضدت و همکاری گویای آن است که رابطه بنیادی اقتصادی در میان عوامل بازار یکی از اقدامات دوجانبه و ماهیت وابستگی متقابل افراد بشر است. مبنای این اقدام دوجانبه تعهدی صادقانه و واقعی است که دقیقاً آنچه که توافق شده انجام شود. لذا، معاضدت بر رقابت، که در بازار فعلی معمول است، ارجحیت دارد. کاربرد این اصل در بازار و اقتصاد و خصایص اساسی آن در "هیأت جامعه عالم وجود" ۱۵ است. تأکید بر وجه اخلاقی است که معاضدت و نه رقابت سبب اقدامات اجتماعی است درست همانطور که زندگی موجود زنده با معاضدت عناصر گوناگونی که از آن ترکیب شده حفظ می‌شود. مبنای حیات "عبارت از تعاون و تعاضد، و علت ویرانی و انعدام فقدان این تعاون و تعاضد است. هر قدر عالم بیشتر مشتاق مدنیت باشد، اهمیت این معاضدت آشکارتر شود." ۱۶

### مفهوم کار به عنوان عبادت

اخلاقیات کار، و به طور اخصّ حکم "کار به عنوان عبادت"، اصل متمایز آثار بهائی است و در نظر فرد بهائی، "کار" که با روح خدمت انجام شود، عبادت تلقی می‌شود. آثار بهائی نیاز اساسی به تعاون و وابستگی متقابل بین افراد بشر و اشتغال به نوعی کار به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به آنرا تأکید میکند. یکی از ویژگی‌های مهمّ تعالیم بهائی درباره اقتصاد علاقه شدیدی است که به مشارکت سازنده فرد در امور اجتماع به شیوه‌ای مستمر و پایدار نشان داده می‌شود. دیدگاه بهائی این است که کار و سرمایه در تضاد نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. مثلاً، در آثار حضرت عبدالبهاء بیان شده است که سرمایه‌داران ممکن است به مراتب بیش از کارگران درآمد داشته باشند، و به این ترتیب مالیات تصاعدی را به عنوان روشی برای تعدیل نابرابری توصیه می‌فرمایند. به‌علاوه، حضرت عبدالبهاء منافع شخصی سرمایه‌داران را مطمح توجه قرار داده شریک کردن کارگران در سود را به عنوان روشی برای تقویت بهره‌وری کار پیشنهاد می‌فرمایند. به نفع سرمایه‌داران است که سود خود را تقسیم کنند زیرا کارگران تلاش بیشتری به کار خواهند برد. از این رو، کارگران در صنعت شریک می‌شوند، و جدا از دستمزد، بخشی از سود را دریافت می‌دارند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "شخصی غنی که منتهی غنا را دارد نگذارد شخصی دیگر منتهی فقر را داشته باشد. مراعات او را بکند تا آن هم راحت باشد." ۱۷ به‌علاوه، اخلاقیات کار بهائی از این دیدگاه اقتصادی حمایت می‌کند که مهارتی، از قبیل کسب علوم و تجارت و فنون مفیده، برای بهبود عملکرد و در نتیجه دریافت وجه بیشتر در قبال عملکرد خوب، ضروری است.

### رابطه صحیح بین کارگر و کارفرما

حضرت عبدالبهاء از رابطه صحیح بین کارگر و کارفرما صحبت میکنند، در بیانی می‌فرمایند "باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع باقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فواید گروه عمله با صاحب فبریک بنوع معتدلی مشترک کردند ... پس در اینصورت اعتدال از همه بهتر و آن اینست که اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن اینست که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی فبریک نیز نصیب و بهره ای یابند. مختصر اینست در حقوق مشترک ما بین صاحبان فبریک و عموم عمله و فعله باید قانونی گذاشته شود که سبب منافع معتدله صاحب فبریک گردد و اسباب معیشت لازمه فعله و تأمین استقبال ایشان شود که اگر عمله عاجز و سقط و یا خود پیر و ناتوان گردند و یا فوت نمودند و اطفال صغیر گذاشتند از شدت فقر مضمحل نگردند بلکه اندک حق معیشت از واردات نفس فبریک داشته باشند." ۱۸ از اواسط قرن بیستم بود که بسیاری از دولت‌ها قوانین متعددی در حمایت از حقوق کارگران و کارفرمایان وضع کرده‌اند. همچنین، یکی از مسئولیت‌های عمده اتحادیه‌های صنفی مراقبت از حقوق اعضاء، از جمله مذاکرات دستمزدی، تأمین شرایط مطلوب کار، و عرضه برنامه‌های بهداشتی و ایمنی و آموزشی است. همچنین، مالکان و مدیران شرکت‌ها علاقه بیشتری به بهبود شرایط کار برای ایجاد انگیزه در نیروی کار نشان می‌دهند. اگرچه، دلایل به احتمال قوی از منفعت نشأت گرفته است، برداشت این است که این قبیل تحولات مثبت سبب افزایش بهره‌وری کارگر شده و به این ترتیب به بازده بیشتر برای سازمان منتج می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت که ترکیبی از عوامل، از جمله نقش مؤثر دولت و اتحادیه‌های صنفی و اطلاعات و فناوری، به تحوّل چشمگیر در معنای اخلاقیات کار منتهی شده است.

## فراگیری حرفه

در آثار بهائی فراگیری حرفه و شغلی تشویق شده است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "تا می‌توانی بکوش که در فن زراعت نهایت مهارت را حاصل نمایی. زیرا به موجب تعالیم الهی تحصیل فنون و اتقان صنعت عبارت از عبادت است." ۱۹ اشتغال به حرفه‌هایی از قبیل کشاورزی، علوم و فنون، و فناوری، و نیز کار کردن در زمینه‌های تعلیم و تربیت، بهداشت و خدمات اجتماعی، همه مثال‌های مناسبی است از "کار عبادت است". حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "شخصی اگر به تمام همت به تحصیل علمی پردازد و یا به اتقان صنعتی کوشد مانند آن است که در کنائس و معابد عبادت الهی می‌نماید." ۲۰ لغت "اتقان" در این بیان، مفهوم کاری امروزی "تضمین کیفیت" را به ذهن متبادر می‌سازد. با تأکید بر اهمیت نگرش صحیح به کار، در تعلیم "کار عبادت است" واژه "اگر" در بیان حضرت عبدالبهاء بسیار مهم است، بدین معنی که تنها در صورتی است که فرد "به تمام همت" کار کرده و سعی در اتقان آن کار نموده باشد. ذهن و روح باید در حین کار، به کار گرفته شود و تنها در این صورت است که "به تمام همت" اشتغال به کار نماید و آن اشتغال عبارت از عبادت است. حضرت عبدالبهاء بهائیان را به "اتقان در صنعت" ۲۱ تشویق می‌فرمایند. ایشان در ادامه می‌فرمایند، "همتی عظیم بنمایی تا در صنعت فرید گردی و شهیر در آن صفحات شوی." ۲۲ دیدگاه تولید محصولات به "اکمل صورت" و بیانات دیگری از قبیل "کمال ظاهره"، "منویات عالیّه" ۲۳ و "اتقان در صنعت" ۲۴ را می‌توان به منشأ کارایی و پایداری تعبیر کرد. اما، اگرچه صفاتی از قبیل کمال و تعالی عبارت از عوامل لازم جهت بهبود عملکرد و ارتقاء سطح برون‌داد هستند، اما کافی نیستند. تعهد از نیروی کار برای حفظ سطح عالی تعالی و برتری در فرایند تولید محصول ضروری است. بنابراین لزوم تعلیم و تربیت برای ارتقاء و ارتقای با اخلاقیات کار پیوندی نزدیک دارد و برای بهبود عملکرد فردی و سازمانی ضروری است. در رابطه با تعلیم و تربیت اطفال، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "تعلیم اطفال و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمان. زیرا اساس فضائل عالم انسانی است و سبب تدرج به اوج عزت جاودانی." ۲۵

## کاهش نابرابری اقتصادی و فقر مطلق

دیدگاه حضرت عبدالبهاء در باره کاهش نابرابری اقتصادی و فقر مطلق نیز قابل توجه است. از دیدگاه حضرت عبدالبهاء برای مبارزه با فقر مادی اول میبایست بر فقر معنوی غلبه کرد. قبول آنکه به اسبابی که سبب راحت و آسایش اهل عالم است توجه داشت. فقر و غنای مفرط دو عامل مهم در ایجاد بی ثباتی نظم عالم و عدم تعادل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌باشد. از این رو در آثار متعدد مبارکشان از تعدیل معیشت بعنوان بیانگر دوی آن به چشم می‌خورد. زمانیکه جامعه به رشد روحانی دست یابد، فرد ثروتمند از اینکه به همون خود کمک میکند احساس رضایت و خشنودی میکند. پیامدهای نبود تعدیل معیشت که در رابطه با نابرابری‌های اقتصادی است بسیارند. دلایل بسیاری است که نابرابری میبایست کاهش یابد. از جمله پیامدهای نابرابری عبارتند از: کاهش رفا و خوشبختی، اثرات بد در آموزش و پرورش کودکان، اثرات بد روی سلامتی جسمی و روحی افراد، باعث مشکلات عدیده در خانواده، تأثیرات منفی در پس‌انداز و در نتیجه عوارض نامناسب در دوران سالمندی، امکان رویداد مشکلات اجتماعی از قبیل خودکشی و فساد و جنایت و انواع آلودگی‌های جسمی، باعث مشکلات عدیده سیاسی چون مردم دولت را مسؤل می‌دانند، و بوجود آمدن یک اقتصاد آشفته و ورشکسته.

نقش مهم دولت در از بین بردن فقر نیز قابل بحث است. با تکامل جامعه و به کار بردن اصول اخلاقی و روحانی و اقتصادی، فقر مطلق از میان خواهد رفت و احدی نیاز نخواهد داشت که تکدی کند یا امکانی وجود داشته باشد که افراد عاطل و باطل بمانند. اما، این تفکر منطقی نخواهد بود که سخاوت افراد تنها راه پرداختن به معضلات تکدی باشد. نقش دولت در ریشه‌کنی تکدی، از طریق وضع قانون و دیگر روش‌ها از قبیل برنامه‌های رفاه اجتماعی، حیاتی و چشمگیر است. این امر در کشورهای توسعه‌یافته‌تر عملی است زیرا اصل فرصت برابر به نحوی مؤثرتر اعمال می‌شود. مثلاً، زنان و افراد از اقلیتهای مذهبی و سیاسی و قبیله‌ای در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشتر از کشورهای فاقد امتیازات مزبور فعالیت دارند. دولت باید انواع مزایا برای بهبود رفاه عمومی جمعیت را فراهم آورد نه آنکه افراد آن را تقاضا نمایند. حضرت عبدالبهاء معتقدند که "از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود." ۲۶ با تفکر بر فقره فوق، معلوم می‌شود که احکام روحانی رفاه و سعادت نه تنها با دریافت بلکه با اعطاء سر و کار دارد. عنوان شده است که "در آینده هیچ وقت امکان نخواهد داشت که اشخاص ثروت هنگفتی از دسترنج دیگران اندوخته کنند." ۲۷ اعم از آنکه این بدان علت باشد که در آینده عالم انسانی از

لحاظ اخلاقی آگاه‌تر خواهد شد یا مقررات دولتی برای ایجاد عدالت توزیعی مؤثرتر خواهد گشت، واضح است که در این زمان رفاه مادی بیشتر در کشورهای با مقررات مؤثر، توزیع مجدد ثروت حاصل می‌شود. در آثار بهائی تأکید شده است که انباشت ثروت با وضع قوانین تحت نظم و نظارت در خواهد آمد. با مالیات تدریجی بر درآمد، کمک به فقرا تضمین می‌گردد، و افرادی که از دریافتی بالایی برخوردارند ثروت مضاعف انباشته نخواهند کرد. با توجه به این موضوع، دیدگاه حضرت عبدالبهاء دربارهٔ جامعهٔ مطلوب در آینده این است که "قوانین جامعه چنان وضع خواهد شد که امکان نخواهد داشت که معدودی بسیار ثروتمند شوند و تعداد زیادی در مشقت و تعب به سر برند." ۲۸ اما، ترکیبی از مالیات دولتی و اصول روحانی به توزیع منصفانه‌تر درآمد و ثروت منجر خواهد شد، و احتمالاً سبک متوازن‌تر زندگی در جامعه میسر خواهد گشت.

### فرصت برابر برای زنان و مردان

بهائیان به برابری فرصت برای زنان و مردان در مشارکت اجتماعی و اقتصادی اعتقاد دارند و در جمیع موارد سعی در اجرای آن دارند. این اصل دارای مفاهیم ضمنی مهمی در افزایش تدارک نیروی کار و در نتیجه بالا بردن سطح تولید است. در آثار حضرت عبدالبهاء بر مشارکت فعال زنان در کلیه وجوه حیات جامعه تأکید شده است. در بیانی می‌فرمایند، "حضرات نساء استعداد عجبی دارند." ۲۹ منافع کشف و استفاده از استعداد زنان بسیار است و بر کل جامعه اثر می‌گذارد. اینها شامل افزایش فعالیتهای اقتصادی نه تنها در سطح خانواده و جامعه کوچکتر است بلکه در سطح سراسر جهان، بخصوص در کشورهای در حال توسعه، و کاهش تعداد افرادی که در فقر به سر می‌برند نیز می‌شود. حضرت عبدالبهاء در بیانی دیگر به کاربرد فرصت برابر برای زنان و مردان اشاره دارند، مثلاً می‌فرمایند "نساء می‌توانند از استعداد، قابلیت و اهمیتی مشابه مردان در معادلهٔ اجتماعی و اقتصادی برخوردار شوند" ۳۰ این نظریه در صورتی که عملاً به کار گرفته شود به میزان چشمگیری نیمهٔ دیگر جمعیت بشری، یعنی زنان، را قادر می‌سازد، در صورت وجود فرصت برابر و وسایل لازم در کلیه سطوح فعالیت اجتماعی و اقتصادی وارد شوند. در نگاهی به گذشته، زنان - از لحاظ فرهنگی و مذهبی - فاقد قابلیت محسوب می‌شدند و فرصت مناسبی برای تحصیل یا مشارکت در تصمیم‌گیری حیات اجتماعی و اقتصادی خانواده و جامعه نداشتند. حضرت عبدالبهاء تأیید فرموده‌اند که، "تأخّر جنس زن تا به حال به جهت این بوده که مثل مردان تربیت نمی‌شدند. اگر نساء مانند مردان تربیت می‌شدند، شبیه‌ای نیست که نظیر رجال می‌گشتند، چون کمالات رجال را اکتساب نمایند البته به درجهٔ مساوات رسند." ۳۱ باید توجه داشت که حضرت عبدالبهاء دیدگاه‌های خود دربارهٔ فرصت برابر را در اوایل قرن بیستم بیان کردند و از آن زمان تا کنون فرصت‌های زنان در جامعهٔ بهائی، و نیز در سطح جهانی، به میزان چشمگیری بهبود یافته است.

### مفهوم انصاف و عدالت

مفهوم مساوات اقتصادی در آثار حضرت عبدالبهاء به این صورت مطرح شده است "مسئله مساوات مستحیل است اما آنچه هست این است که اغنیا رحم به فقرا کنند اما بمیل خودشان نه مجبوراً اگر مجبوری باشد فائده نمی‌دارد نه آنکه بجزر باشد بل بموجب قانون عمومی هر کس تکلیف خود را بداند." ۳۲ می‌توان استدلال کرد که هدف از عدالت اجتماعی آن است که مردمان برابر باشند. اعتقاد این است که همه ما برابر هستیم، نه بدان علت که یکسانیم بلکه چون همه مخلوق خداییم. در آثار بهائی این نکته روشن می‌شود که هر شخصی منحصر به فرد است، اما افراد بشر یکسان نیستند. شاخص عبارت از "وحدت در کثرت" است. از این رو، برابری و انصاف بسیار متفاوتند. انصاف تنوع و بی‌مثیلی فردی هر شخصی را می‌پذیرد. در حالی که مردم متفاوتند، باید با آنها در مقابل قانون یکسان رفتار شود. در دیدگاه بهائی، تنوع مردمان سبب تجلیل و تحسین است. مفهوم انصاف گویای آن است که تفاوت دستمزدها باید وجود داشته باشد. از این رو، دریافتی هر شخصی طبق مشارکت اقتصادی او در جامعه و نیازهای آن خواهد بود. به نظر می‌رسد این منصفانه است زیرا هر فردی دارای استعدادها و تحصیلات و قابلیت اقتصادی متفاوتی است، و از این رو مشارکت تولید هر شخصی برای جامعه فرق می‌کند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "اصلاح و تنظیم مجدد قوانین اقتصادی برای معاش انسان ... جهت آن که کل عالم انسانی، منطبق با مدارج مربوطهٔ خود، در نهایت درجهٔ سعادت زندگی کنند." ۳۳ این فقره گویای نیاز به مشارکت فعال و جدی دولت در اقتصاد است. عدالت از طریق قانون اجرا می‌شود. و قرار است از لحاظ قانون اساسی یک کشور همه‌ی شهروندان در مقابل قانون حق مساوی داشته باشند. سه تا از خصوصیات که لازمه ایجاد خوشبختی است چه در سطح فردی و خانوادگی و در سطح جامعه بزرگتر عبارتند از آزادی و بوجود آوردن فرصتهای مناسب و مساوی برای همه شهروندان، و همچنین فراهم آوردن اسباب و وسایل برای بروز استعدادهای نهفته در انسان هستند. از طریق این

مراحل است که هر فردی قادر است تصمیم بگیرد چه نوع زندگی مطلوب برای خود اتخاذ کند که به یک رفاه و سعادت و خوشبختی واقعی برسد که شامل هر دو مادیات و روحانیات باشد. با نگاهی به کشورهای که دارای این ویژگی ها هستند دیده میشود که مردمش از یک رفاه و آسایش نسبی برخوردار هستند و کل کشور از یک رشد و توسعه اقتصادی و خلاقیت بالا برخوردار است. مواسات در باره انصاف است و در این مورد حضرت عبدالبهاء نظرشان این است که اغنیا به میل خودشان قسمتی از ثروت خود را بین فقرا تقسیم کنند. اینجا از خود گذشتگی و ایثار و عوامل نوع دوستانه صحبت میکنند و لذا مواسات لازمه اش وجود یک سطحی از روحانیت در افراد است. این غریزه نوع دوستانه در همه ی انسان ها وجود دارد با درجات مختلف. و این در رابطه با مواسات است که از نظر اهمیت بالاتر از مساوات است.

### مفهوم ثروت

دیدگاه حضرت عبدالبهاء عبارت از آن است که کلّ جامعه باید ثروتمند باشد نه فقط اقلیتی از جمعیت. در بیانی میفرمایند "شرایط تحقق عدالت اجتماعی ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیئت جمعیت ملت غنی باشد." ۳۴ لذا جامعه بیش از صرفاً افراد است. از لحاظ مادی، جامعه تشکیل شده از مدارس، بیمارستان ها، جاده ها و دیگر زیرساخت ها و خدمات. همچنین، در بیانی که ذیلاً نقل می گردد، حضرت عبدالبهاء توصیف می فرمایند که ثروت چگونه باید کسب و به چه نحو باید خرج شود. ایشان فرمودند، "غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود." ۳۵ طبق این بیان، شرط اول برای کسب ثروت این است که باید در اثر مجهودات خود شخص حاصل شود. این مؤید آن است که باید کار کرد و عضو مفید و مولدی برای جامعه بود. شرط دوم این است که درآمد حاصل برای امور خیریه و انسان دوستانه صرف شود. این اشارتی است که جامعه بهائی به سوی رسیدن به فرهنگ اقدامات نوع دوستانه، خیریه و خیرخواهانه هدایت شود.

رابطه بین اقتصاد اخلاقی و توزیع داوطلبانه ثروت و هدف اصلی آئین بهائی، یعنی وحدت، در اینجا ارزش بحث را دارد. می توان گفت که رابطه ای مستقیم بین وحدت و حل مشکلات اقتصادی وجود دارد. کسب ثروت تا بدان حدّ مقبول است که به صورت وسیله ای برای وصول به اهداف عالی تر مصرف شود. هدف غایی برای هر فرد بهائی وصول به یگانگی نوع بشر است. مثلاً، چگونه می توانید از ثروت خود لذت برد در حالی که بیش از یک میلیارد نفر از اهل عالم در فقر مطلق به سر می برند؟ در بیانی که ذیلاً نقل می شود، حضرت عبدالبهاء پیش بینی می کنند که در آینده "ثروتمندان به طیب خاطر به مساعدت فقرا خواهند شتافت." ۳۶ همانطور که در بیان حضرت عبدالبهاء ذکر شده، "ثروتمندان، برای سعادت و مسرت خویش، مجبور خواهند شد ثروت خود را برای تأمین شرایط بهتر برای جامعه ای که در آن زندگی می کنند، خرج کنند." ۳۷ از این روی، این دیدگاه حضرت عبدالبهاء گویای آن است که در آینده که مردم از ترقیات روحانی بیشتری برخوردار می شوند و نسبت به نیازهای دیگران آگاهی می یابند، در آن موقع "اثرات ثروت در جامعه" ۳۸ درک می شود و اقدامات خیرخواهانه با طیب خاطر و مسرت تمام عملی می گردد. به علاوه، در آثار حضرت عبدالبهاء ثروت ممدوح است، مشروط بر آنکه کلّ جمعیت ثروتمند باشند. قابل توجه است که حضرت عبدالبهاء اثرات کار و کسب علوم و فنون مفیده را به تکثیر ثروت ملت ربط می دهند. ایشان می فرمایند: "تعلّم فنون مفیده و اکتساب معارف عمومیّه و اطلاع بر حقایق حکمت طبیعیّه نافع و توسیع دائره صنایع و تزئید موادّ تجارت و تکثیر وسائط ثروت ملت... ۳۹ مثلاً، افزایشی در سرمایه گذاری در علوم و فنون سودمند و یادگیری مهارت ها، به ایجاد تخصص منجر شده، که این نیز تأثیری عظیم بر درآمد ملی کشور خواهد گذاشت.

### مفهوم ثروت حقیقی

در آثار بهائی، کسب ثروت تقبیح و محکوم نشده بلکه ثروت حقیقی به نحوی متفاوت تعبیر شده است. اصطلاح "ثروت حقیقی" به عنوان پیوستگی بین رفاه مادی و روحانی تعبیر می شود. مثلاً انقطاع از عالم مادی بدون محکوم کردن ثروت مادی شخص، تحسین شده است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند، "مجهودات عظیمه ما باید در جهت انقطاع از شئون دنیوی و جیفه این عالم هدایت شود." ۴۰ ممکن است این مطلب متناقض به نظر برسد زیرا به طور عادی ثروت مادی ملازم وابستگی است. پیچیدگی زمانی ایجاد می شود که شخصی برای غنای مادی بیش از زندگی متعادل ارزش قائل شود. دیدگاه بهائی این است که افراد بشر ماهیتاً روحانی اند و به این ترتیب، رفاه مادی به تنهایی نمی تواند سعادت بشری را تضمین نماید. بهائیان هدایت می شوند که اگر وجوه روحانی حیات آنها همراه

با جنبه‌های مادی تأمین گردد، مسرت و سعادت آنها فزونی میابد. و برای جامعه بزرگتر بیان شده است که، "تنها زمانی که مدنیت مادی به مدنیت روحانیه منضم و هماهنگ گردد، سعادت تضمین شود."<sup>۴۱</sup>

### انسجام مادی و روحانی

از منظر بهائی، توسعه عبارت از فرایندی طبیعی است که در آن "مدنیت مادی منضم بمدنیت روحانیه شود."<sup>۴۲</sup> بنابراین، ویژگی مهم توسعه بهائی این است که باید به نحوی متوازن به هر دو نیاز مادی و روحانی پاسخ دهد. کتب و آثار بهائی افراد بشر را اساساً دارای ماهیت روحانی می‌داند و سعادت و رفاه در صورتی به نحو کمال مطلوب تأمین می‌شود که وجوه روحانی حیات آنها در کنار جنبه‌های مادی تحقق یابد. حضرت عبدالبهاء فرمودند، "هرچند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانی است، ولی تا منضم به مدنیت الهیه نشود، نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد."<sup>۴۳</sup> از این رو، طرح‌های توسعه که از تعالیم بهائی الهام گرفته این مقتضیات و شرایط اساسی را در هم ادغام می‌کند. دیدگاه این است که صحت روحانی و رفاه مادی دوش به دوش هم پیش می‌روند و توافق و سازگاری دارند تا به سعادت حقیقی واصل شوند.

### زندگی مطلوب

زندگی آبرومندانه عبارت از شناسایی کلیه نیازهای اساسی برای بر خورداری از زندگی مناسب شأن و مقام انسان و سپس تأمین آن است، و اگر کسی کمتر از سید نیازهای اساسی لازم برای زندگی آبرومندانه داشته باشد، او در فقر مطلق قرار دارد. حضرت عبدالبهاء در چندین اثر خود به لزوم نیازهای ضروری مزبور برای زندگی اشاره دارند. در باره امرار معاش و نیازهای اولیه برای حفظ حیات، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "محتاجان از معیشت ضروریه نصیب برند و دیگر در فقر زندگی نکنند."<sup>۴۴</sup> معیشت اولیه و ضروریات اساسی زندگی عبارت از غذا، لباس، سرپناه، بهداشت مطلوب، تحصیلات کافی، آزادی اقتصادی و فرصتهای مناسب برای کشف استعدادهای نهفته در انسانها. در رابطه با حد و حدود راحتی حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "... همه حق دارند از زندگی راحت و توأم با مسرت برخوردار باشند."<sup>۴۵</sup> مرحله "راحتی" عبارت از مرحله خودکفایی و تداوم زندگی یا حالتی از سعادت راستین است. این حالتی است که فرد دارای آزادی انتخاب حالت خوشبختی و رفاه باشد. آزادی انتخاب شرط لازم برای این مرحله است، و فرد واقف است که هزینه کردن پول اضافی در فراهم آوردن تجملات بیشتر ضرورتاً سبب حصول حد بالاتری از سعادت نخواهد شد. همچنین، حضرت عبدالبهاء در آثار خود اشاره به مرحله تجملی و یا "فرا تر از معیشت ضروری واقعی" نموده اند. در بیانی می‌فرمایند، "واضح است که تحت نظام‌ها و شرایط فعلی حکومتی فقرا بسیار محتاج و مستأصل هستند در حالی که سایرین در تجمل و فراوانی که به مراتب بیش از معیشت ضروری واقعی است به سر می‌برند."<sup>۴۶</sup> هزینه کردن "بیش از معیشت ضروری واقعی" اشاره به تجملات و محصولات غیر ضروری است. در جوامع بسیار ثروتمند امروز، نیازهای اساسی اکثر مردمان تحقق یافته، و بسیاری در مرحله "تجملی" زندگی می‌کنند که به مصرف بیش از حد و مصرف‌گرایی منجر شده است. در این سطح از زندگی است که درک معنای واقعی از مقصود از زندگی، کار هدفمند، سعادت جمعی، و سعادت حقیقی و نیاز به "تنظیم مجدد و اصلاح نظام اقتصادی"<sup>۴۷</sup> ضرورت می‌یابد. حضرت عبدالبهاء در ایام سفر خود به غرب و با مشاهده فقر و غنای مفرط اشاره به لزوم تعدیل معیشت میکنند و می‌فرمایند، "از جمله اساس بهاءالله تعدیل معیشت است. طبقات ناس مختلفند، بعضی در نهایت غنا هستند، بعضی در نهایت فقر ... لذا اصلاح معیشت از برای بشر لازم ... جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذاشت که از برای کل وسعت و رفاهیت باشد، نه یکی به فقر مبتلا، و نه یکی نهایت غنا را داشته باشد."<sup>۴۸</sup> همچنین می‌فرمایند، "اصلاح و تنظیم مجدد قوانین اقتصادی برای معاش انسان ... جهت آن که کل عالم انسانی، منطبق با مدارج مربوطه خود، در نهایت درجه سعادت زندگی کنند."<sup>۴۹</sup> این فقره گویای نیاز به مشارکت فعال و جدی دولت در اقتصاد است که در رابطه با راه حل ایجاد تعدیل معیشت میباشد. آثار بهائی آن سبک زندگی را که با اعتدال همراه است توصیه می‌کند که در هر امری از امور اعتدالش محبوب. البته، باید بین ماده گرایی و درست زندگی کردن تمایز قائل شویم. آثار بهائی این دیدگاه را دارد که دوام و پایداری با خوب زیستن مرتبط است، اما مستلزم درست زندگی کردن با "اعتدال" است و عمدتاً به شرایط فردی و خانوادگی بستگی دارد. اعتدال دارای مفاهیم ضمنی مهمی در اقتصاد از طریق تخصیص منابع در بازار نیز دارد. اگر ثبات و پایداری عبارت از کارایی منابع و ملاحظه دیگران، محیط زیست و نسل



آینده باشد، در این صورت اعتدال نقشی مهم در وصول به پایداری ایفا می‌کند. اعتدال بر کلیه وجوه بازار از جمله سبک زندگی، ابعاد امور تجاری و توسعه آن و محیط زیست تأثیر دارد.

### اهمیت کشاورزی

آثار بهائی کشاورزی را یک امر عظیم خطیر تلقی می‌کند و تصدیق شده که در میان سایر اصول بهائی، کشاورزی از لحاظ اهمیت "فی الحقیقه دارای مقام اول است." ۵۰ از لحاظ اهمیت در مقام اول است بدین معنی است که تحقق صلح و امنیت یا حتی برقراری روابط دوستی در زمانی که توده‌های مردم مبتلا به گرسنگی هستند، بسیار دشوار است. وقتی کودکان دچار سوء تغذیه باشند، تعلیم و تربیت به سختی صورت می‌گیرد، و اگر از بین بردن گرسنگی در میان انبوه جمعیت مردمان میسر نباشد به پایداری اقتصادی نمی‌توان دست یافت. در تمامی این اوضاع و احوال، نبود غذا عاملی عمده است و از این رو باید تدارک دیده شود. بیانات مشابهی درباره اهمیت کشاورزی در آثار حضرت عبدالبهاء نیز یافت می‌شود. مثلاً ایشان به کشاورزی به عنوان "اساس هر جامعه" ۵۱ توصیف می‌فرمایند و اشتغال به آن را "عبادت" ۵۲ دانسته‌اند و بهائیان را به فراگیری "علوم کشاورزی" ۵۳ تشویق فرموده‌اند. لذا، اگر فردی از لحاظ فن مهارت یابد، وسیله ای خواهد بود برای راحت و آسایش نفوس عدیده. از آنجا که اکثریت مردمان فقیر در عالم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، تحلیلی برای کاهش فقر روستاییان و کمک به آنها برای کشت و برداشت محصولات کشاورزی و بر خورداری از برنامه رفاهی در سطح روستا بسیار مناسب است.

### سخن پایانی

در این نوشته اشاره ای مختصر به بعضی از نظرات حضرت عبدالبهاء، شد که به شناخت اقتصاد اخلاقی مربوط می‌شود. باید توجه داشت که تعالیم اقتصادی امر تنها وسیله ای هستند برای هدف اصلی که وحدت عالم انسانی است. این نکته قابل ذکر است که هیچ‌گویی در انزوا کار نمی‌کند. امروزه ملل جهان شدیداً به یکدیگر متصل هستند و ارتباط دو جانبه برقرار است. ملل مختلفه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و زیست محیطی بهم وابسته هستند. تمثیل هیكل بشری در آثار بهائی به عنوان سیستم متحدی که دارای تعامل مرتب و وابستگی متقابل به صورت یک کل متشکل است برای ملاحظه جامعه بشری به کار رفته است. حضرت بهاء‌الله در لوحی خطاب به ملکه ویکتوریا می‌فرمایند، "فانظروا العالم کهیكل الإنسان" ۵۴. حضرت عبدالبهاء، در تبیین مفهوم هیكل انسان در رابطه با عالم عنصری و جامعه بشری می‌فرمایند، "هیكل عالم از مصدرايجاد چون صورت و هیئت آدم موجود شده و فی الحقیقه مرآت یکدیگرند چون بصر بصیرت نگری یعنی همچنانکه هیكل انسانی در عالم وجود ظاهراً مرکب از اعضا و جوارح مختلفه و در حقیقت هیئت جامعه و مربوط یکدیگر است بهمچنین جسم عالم حکمش حکم شخص واحد که اعضا و اجزایش مربوط به یکدیگر است." ۵۵ در هیكل بشری به صورت یک سیستم، اگر در یک بخش از بدن انسان دردی حاصل شود، بقیه بدن نیز دچار رنج می‌گردد. همینطور، در جامعه بشری مسائلی از قبیل فقر و گرسنگی، و جابجایی در یک بخش از عالم سبب درد و رنج دیگر قسمت‌های جهان می‌شود.

تحقق هدف وحدت میسر است زیرا عالم انسانی به وسایل لازم برای وصول به آن دسترسی دارد. مثلاً، وسائل عالم‌گیر ارتباطی، حمل و نقل، فناوری اطلاعات، و وابستگی متقابل مالی جهانی به صورت روش‌های وحدت بخش ملتها موجود است. حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرمایند که در گذشته، "به کلی ائتلاف من علی الارض غیر قابل حصول بود،" ۵۶ زیرا وسائل ارتباط و تماس که امروز موجود است، در ادوار گذشته وجود نداشت، و لذا، "اجتماع و تبادل افکار معسور." ۵۷ بنابراین، واضح است که ویژگی‌های جهانی شدن هدفمند، که عبارت از یگانگی نوع بشر، وابستگی متقابل، و تبادل افکار است، با استفاده از اطلاعات پیشرفته و فناوری مترقی قابل حصول است. رؤیای وحدت عالم انسانی کلیه وجوه حیات بشر را در بر می‌گیرد. اما، چنین دیدی از وحدت و یکپارچگی عالم، با بازار جهانی غالباً بی‌روح و بی‌هویت و فاقد اصول اخلاقی که امروزه مشاهده می‌شود هیچ ارتباطی ندارد. یکی از کاربردهای اصل وحدت عبارت از هماهنگ کردن منابع انسانی، منابع مالی و منابع فیزیکی به نفع کلی شرکت کنندگان در بازار، به نحوی عادلانه و منصفانه می‌باشد. از این رو، به اصطلاح "عدالت" به عنوان روش حصول اهداف اجتماعی - سیاسی - اقتصادی کراراً در آثار حضرت عبدالبهاء اشاره شده است و به جرأت می‌توان گفت که ایشان پیشگام یک اقتصاد اخلاقی و روحانی هستند. در نتیجه، از چشم‌انداز بهائی، جهانی بودن هدفمند همراه با عدالت

اقتصادی به حذف موانع و "مصائب اجتماعی" ۵۸ اشاره دارد، که حضرت عبدالبهاء به عنوان "علاج فوری جمیع امراض هیأت اجتماعی" ۵۹ مطرح فرموده اند.

## منابع و یادداشتها

- 1 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه حضرت عبدالبهاء، مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 239.
- 2 حضرت عبدالبهاء. مندرج در بهاءالله و عصر جدید، طبع برزیل، ص 85.
- 3 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. مندرج در *Foundation of World Unity*، تألیف محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، ویلمت، ایلینوی: مؤسسه ملی مطبوعات امری، 1979، ص 38.
- 4 همان.
- 5 آدام اسمیت، *The Wealth of Nations*، تام گریفیت (ویراستار)، لندن، Wordsworth، 2012، ص 709.
- 6 حضرت عبدالبهاء. خطابات حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 97.
- 7 ترجمه، بیان حضرت عبدالبهاء. منقول در *Waging Peace*، ص 15.
- 8 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. نقل در کتاب *Tablet to August Forel: For the Good of Mankind*، ویراستاری جان پل ویدر (John Paul Vader)، آکسفورد: جرج رونالد، 1984، ص 73. [جهت جامعه، یا جمع کننده، به "قوه وحدت بخش" ترجمه شده است - م]
- 9 حضرت عبدالبهاء. مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 88 / منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 101.
- 10 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. مندرج در *Divine Philosophy*، ص 111.
- 11 حضرت عبدالبهاء. خطابات مبارکه، ج 2، ص 32.
- 12 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 23 ژوئیه 1912 مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 239.
- 13 حضرت عبدالبهاء. خطابات مبارکه، ج 2، ص 148.
- 14 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. مندرج در *Tablets of 'Abdu'l-Baha*، ج 1، ص 98.
- 15 حضرت عبدالبهاء. مکاتیب عبدالبهاء، ج 5، ص 130: "تعاون و تبادل از خواص هیأت جامعه عالم وجود است و بدون او وجود معدوم."
- 16 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. مندرج در *Divine Art of Living*، ص 30.
- 17 حضرت عبدالبهاء. خطابات مبارکه، ج 1، ص 173.
- 18 حضرت عبدالبهاء. مفاوضات، ص 209.
- 19 حضرت عبدالبهاء. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 141 (شماره 126).
- 20 همان.
- 21 حضرت عبدالبهاء. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 142 (شماره 128).
- 22 همان.
- 23 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. Paris Talks، ص 177.
- 24 حضرت عبدالبهاء. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 142 (شماره 128).
- 25 حضرت عبدالبهاء. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 126 (شماره 103).
- 26 حضرت عبدالبهاء. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 112.
- 27 حضرت عبدالبهاء. مندرج در *بهاءالله و عصر جدید*، طبع برزیل، ص 163.
- 28 همان، ص 216.
- 29 حضرت عبدالبهاء. مکاتیب عبدالبهاء، ج 7، ص 135.
- 30 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 7 مه 1912 حضرت عبدالبهاء، مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 108.
- 31 حضرت عبدالبهاء. خطابات مبارکه، ج 2، ص 149.
- 32 حضرت عبدالبهاء. خطابات مبارکه، ج 2، ص 123.
- 33 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه دوم ژوئن 1912 مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 170.
- 34 حضرت عبدالبهاء. رساله مدنیّه، طبع 162 بدیع، 2005 میلادی، ص 26.
- 35 همان.
- 36 ترجمه - حضرت عبدالبهاء، خطابه 23 ژوئیه 1912 مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 239.
- 37 ترجمه - حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجله *نجم باختر*، سال هشتم، شماره 1، ص 4-5.
- 38 نقل ترجمه بیان حضرت ولی امرالله از منضمات کتاب مستطاب اقدس، یادداشت شماره 38، ص 130.
- 39 حضرت عبدالبهاء. رساله مدنیّه، طبع آلمان، سپتامبر 2010، ص 68 / طبع 1329 هجری، ص 120.
- 40 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 9 نوامبر 1911، *Paris Talks*، ص 97؛ اصل خطابه در صفحات 130 الی 137 جلد اول خطابات درج است، اما این جمله در متن اصلی فارسی وجود ندارد - م]
- 41 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 7 مه 1912، مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 110.

- 42 حضرت عبدالبهاء. *Paris Talks*، ص 22. نقل ترجمه از بهاءالله و عصر جدید، طبع برزیل، ص 195.
- 43 حضرت عبدالبهاء. لوح لاهه، مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 108.
- 44 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 6 مه 1912، *Promulgation of Universal Peace*، ص 102.
- 45 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. *Divine Philosophy*، ص 83.
- 46 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 7 مه 1912، *Promulgation of Universal Peace*، ص 107.
- 47 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 6 مه 1912، *Promulgation of Universal Peace*، ص 102.
- 48 حضرت عبدالبهاء. خطابات مبارکه، ج 1، ص 173.
- 49 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه دوم ژوئن 1912 مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 170.
- 50 حضرت بهاءالله. لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص 293.
- 51 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 1 جولای 1912، مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 217.
- 52 حضرت عبدالبهاء. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج 1، ص 141.
- 53 ترجمه - حضرت عبدالبهاء. خطابه 26 آگست 1912 مندرج در *Promulgation of Universal Peace*، ص 283.
- 54 حضرت بهاءالله. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره 120.
- 55 حضرت عبدالبهاء. مکاتیب عبدالبهاء، ج 5، ص 129.
- 56 حضرت عبدالبهاء. مکاتیب عبدالبهاء، ج 1، ص 356 / منتخباتی از مکاتیب، ج 1، ص 29.
- 57 همان.
- 58 در مورد عبارت "مصائب اجتماعی" نگاه کنید به بیانیه دوم آوریل 2010 بیت‌العدل اعظم. (توضیح مترجم: در متن انگلیسی *social ills* آورده شده که به "مصائب اجتماعی" ترجمه شده است. ترجمه دیگر آن "امراض اجتماعی" است که در بیان حضرت عبدالبهاء نیز ذکر شده است.)
- 59 حضرت عبدالبهاء. لوح پروفیسور فورال، مکاتیب عبدالبهاء، ج 3، ص 390.